

# ارتباط سینما با تاریخ هنر

دکتر سیاوش قندی  
عضو هیات علمی

فیلم سینمایی تأثیر می‌گذارد و پرپر بازی به هنر دست اندرکاران می‌دهد. یکی از آثار مشهور در تاریخ سینما که در اینجا باید بدان اشاره کرد؛ «فیلم ده فرمان حضرت موسی (ع) است». هر چند که مدت نیم قرن، از ساخت چنین فیلم پر شکوه می‌گذرد؛ مهارت سازندگان در این اثر بخوبی نمایان است. این فیلم نشان دهنده فرهنگ و تمدن مصریان باستان است که هنرمندان این سرزمین جام جهان نمائی از یک تمدن غنی و متنوع را پدید آورده‌اند که ما را به موجودیت و احوال گذشته دور، نزدیک می‌کند؛ به هر حال نقاشیهای به تصویر درآمده در گورهای مصریان اطلاعات گرانبهائی در اختیار محققین قرار می‌دهد؛ از سوی دیگر به استناد آثار تصویری ایرانیان در می‌یابیم که از دوران باستان تا کنون پوشاک و کلاههای ایرانیان در هر دوره متغیر بوده است و موارد بسیار دیگر که از یک تمدن غنی حکایت دارد.

در اینجا دیدگاه دیگری هم وجود دارد که باید مورد توجهمان قرار گیرد. آثار نویسندگانی چون شکسپیر، ویکتور هوگو، مولیر که به زبانهای مختلف جهان ترجمه شده و آثاری نظیر اتلو و بینوایان که بارها بر روی صحنه‌های تماشخانه‌ها و اپرا و پرده‌های سینماهای جهان به اجرا درآمده است؛ همگی برای خلق آثارشان از تابلوهای نفیسی الهام گرفته‌اند که هنرمندان برجسته آن حتی به جزئیات صحنه توجه خاص داشته‌اند در اصل هنر نقاشی از دوران رنسانس به بعد؛ بیشتر موضوعات به تصویر کشیدن زندگی روزانه بود و اشخاصی با لباسهای فاخر در آن جلب نظر می‌کند و موارد عدید دیگر.

به راستی در دوره رنسانس که فلسفه «مانیسم» حاکم است، پرتره سازی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت؛ از این رو کمتر شخصیت مشهوری از هنرمندان و سایرین را می‌توان یافت که تصاویر آنها بر جای نمانده باشد و سرانجام در قرن نوزدهم «صنعت عکاسی» موجب گردید که چهره افراد عادی نیز جاودانه شود؛ هر چند که قبل از پیدایش دوربین عکاسی هنرمندان مکتب رئالیسم در واقع نمائی کوشش فراوانی را بکار برده اند؛ لکن صنعت عکاسی مکمل پرده‌های نقاشی و زمینه ساز دوربین‌های

با نگاهی کلی و کارشناسانه به عالم سینما باید پذیرفت که در شکل بخشیدن سینما بعنوان یک هنر جهان نما انواع شناخته‌های هنرهای امروزی، نظیر: داستان نویسی، موسیقی، عکاسی، فیلمبرداری، نقاشی، گرافیک، تدوین و... نقش داشته است. برای ساخت فیلم سینمایی از آغاز تا مرحله تدوین بازیگران و هنرمندان در زمینه‌های مختلف مشارکت دارند. از آنجائیکه بخشی از دست آوردهای سینما را فیلم‌های تاریخی و مستند تشکیل می‌دهد و این قبیل فیلمها در اصل فرهنگ گذشته را زنده نگه می‌دارد، براساس علم تاریخ هنر، شکل گرفته و چنین فیلمهایی پایه‌های بنای خود را بر آثار به یادگار مانده گذاشته و می‌توان گفت که علم تاریخ هنر، این رشته از دانش بشری «صنعت فیلمسازی» را قوام می‌بخشد؛ زیرا هر یک از آثار هنری گذشتگان پنجره‌ای به شمار می‌آید که اطلاعات ما را نسبت به فرهنگها و تمدنها افزایش می‌دهد.

بعبارتی دیگر، آثار هنری ما را در پی بردن به چگونگی و شرایط زمانی که در آن هستی یافته‌اند باری می‌دهند؛ بویژه آثار واقعگرایانه با، بازنمائی لحظات و رویدادها آگاهی‌های ارزنده در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند؛ که بحث در مورد آنها سخن را به درازا می‌کشاند و از حوصله این مقال خارج می‌گرداند، لذا از آن در می‌گذریم و به نمونه‌هایی از گنجینه‌های هنر می‌پردازیم. باید در نظر داشت که تمام آثار هنری دنیا بخشی از کل تاریخ به شمار می‌آیند که به نام سند تاریخی موسوم‌اند و این سند به یک قطعه سفال از خاک درآمده اطلاق می‌شود تا یک بنای بس بزرگ، نظیر اهرام ثلاثه که شناسائی هر کدام از آنها نیاز به تخصص دارد. گفتنی است، برخی از آثار هنری پس از گذشت قرن‌ها هنوز هم جزو نفایس هنری جهان قلمداد می‌شوند؛ زیرا که با بهترین مواد و مصالح و بدست ماهرترین استادان به اوج شکوفائی خود رسیده است.

امروزه ثابت شده که صنعت سینما در ساختن و شکل دادن به زندگی فرهنگی دیروز و امروز هر سرزمین نقشی سرنوشت ساز داشته است. بطور قطع و یقین در شکل دادن به آینده فرهنگی نیز نقش خواهد داشت. در پی آنچه که گذشت باید گفت آثار هنری همواره در آفرینش

فیلمبرداری در عرصه سینما گردید. هر چند که فیلمهای تاریخی عصاره بسیاری از سبکهای نقاشی هستند و بیشترین تأثیر در فیلمها در زمینه نقاشی است ولی در پیکر تراشی و معماری نیز برخی از آثار قابل ذکر است؛ خصوصاً پیکره‌هایی که زنده و پویا به نظر می‌رسند. در عرصه پیکره‌سازی برخی از نمونه‌های برجای مانده از افرادی نامی که براساس شبیه‌سازی دقیق انجام گرفته است مانند مجسمه «گودا» حاکم لاگاش در بین‌النهرین و مجسمه «آخنتون» و همسرش ملکه «نفرتی‌تی» است که بر خلاف هنرمندان مصر، فرعون را در نهایت قدرت جسمانی مجسم می‌سازند؛ لکن در زمان آخنتون هنرمندان ناگزیر به رعایت شبیه‌سازی بوده‌اند. پیکره امپراطوران مردمی نیز تماماً براساس شبیه‌سازی و با مهارت و زبردستی فنی ساخته شده‌اند و هنرمندان با خلق آثارشان ما را در کنار امپراطوران آن عهد قرار داده‌اند.

ضمناً یکی از شاخصه‌های رومیان، لباسهای گشادی بنام «توگا» که برتن می‌کرده‌اند و کسانیکه رومی نبوده و یا به جرمی محکوم می‌شده‌اند حق استفاده از چنین جامه را نداشتند. باید در اینجا خاطرنشان ساخت که سینماگران، فیلمهای بسیاری از فرهنگ و تمدن غنی رومیان ساخته‌اند که هر یک به نوبه خود شاهکار هنری به شمار می‌آید نظیر: بن‌هور، اسپارتاکوس، گلا دیاتور و در ایران نیز به تقلید از آثار شکوهمند سینمایی فیلمهایی نظیر مریم مقدس، مردان آنجلس و آخرین آن فیلم و سریال بشارت منجی است که هنوز به اکران عمومی در نیامده است. همانگونه که ثابت شده‌اند، یکی از عوامل مؤثر در ساختن فیلمها که موجب جلوه بخشی شده‌اند فضاهای گوناگون معماری است. از این رو در فیلمهای تاریخی استفاده از اماکن آن دوران یکی از مهمترین ارکان جذابیت است و گاهی از اماکن مورد نظر بهره‌جسته‌اند نظیر: گورژ پشت نتردام اثر ویکتور هوگو که محل اجرای آن کلیسای نوتردام پاریس است؛

جالب اینکه گاهی از طریق دکورسازی و ماکت فضای مورد نظر را خلق می‌کنند نظیر: ماکت آمفی‌تئاتر سرگشاده کولوسئوم یا کلیزه روم که به منظور ساختن فیلم گلا دیاتور از آن استفاده به عمل آمده است؛ از آنجائیکه انواع هنرها در خدمت هنر هفتم یعنی سینما در آمده‌اند صنایع دستی و ابزار و وسائل روزمره که امروزه در موزه‌های جهان در معرض نمایش گذاشته شده‌اند نیز معرف گروه وسیعی از مردم و روحیات آنهاست و پیوسته در جریان دگرگونیهای اجتماعی چه در مضمون و شکل دگرگون می‌شوند؛ از جمله پوشاک سلاحها، وسائل روشنایی، وسائل موسیقی، زینت آلات، ابزار کار و تزئینات و... که این موضوع جای

بحث فراوان دارد، از جمله وسائل روشنایی که از آغاز تمدن بشری تا به امروز مورد استفاده قرار گرفته و انواع مختلفی از وسائل روشنایی را شامل می‌شود با فرمهای گوناگون.

به هر حال موزه‌های سراسر دنیا مملو از آثار هنری و غیر هنری است که ماندگار گردیده‌اند و برخی نیز الگو واقع شده‌اند و بسیاری از نویسندگان و کارگردانان بزرگ جهان از این امکان بهره‌برده و آثاری شگفت‌انگیز آفریده‌اند. شایان ذکر است که درباره ارتباط تنگاتنگ سینما و تاریخ هنر هیچگونه مقاله یا کتابی معتبر نمی‌شناسیم و اگر هم بوده بسیار بسیار محدود است؛ از این رو نگارنده این سطور سعی نموده با تکیه بر تجربیات میدانی و کتابخانه‌ای که در طول تحصیل و تدریس داشته‌ام آنرا به شکل نوشتار درآورم با امید به آنکه این مقاله مختصر بتواند پایه‌ی تحقیقات بیشتر و گسترده‌تر در این زمینه باشد.

در خاتمه باید افزود با توجه به علایق فیلمسازان معتبر همکاری مشترک فیلم‌سازان و تاریخ هنر دانان منجر به تولیدات تخصصی‌تری در عرصه سینما بشود که قطعاً مورد استقبال عوام و خاص قرار خواهد گرفت.

آنچه که گفته شد خلاصه‌ای بود از هنر صحنه‌آرایی در عالم سینما که با متمایز بودن نام «طراح صحنه» و «کارگردان» به استقلال و اهمیت آن پی‌می‌بریم و امروزه به «طراحان صحنه» در کنار عوامل دیگر جایگاه ویژه‌ای به آن اختصاص می‌دهیم که هنر مستقلش را پرورش می‌دهند بطوریکه برخی از طراحان صحنه در مهارت بازسازی دوران گذشته بسیار بلند آوازه هستند، زیرا یک فیلم تاریخی باید زمان و مکانی قابل باور در عصر گذشته را بیان کند، از این رو نمایشنامه‌های تاریخی مستلزم صحنه‌پردازی و حرکات خاص بوده که متفاوت از نمایشنامه‌های مدرن هستند.

این نکات از جمله مشکلات نبوده بلکه کارگردان و طراح صحنه را به چالش وادار می‌سازد. اسباب و لوازم و لباس و تجهیزات نورپردازی و آماده‌سازی دکورهای تاریخی بس دشوارتر از دکورهای مدرن است. بنابراین یک کارگردان و طرح‌صحنه خلاق قادر خواهند بود از عهده این مسائل بخوبی برآیند. بهترین نمونه این قبیل آثار را در سرزمین هنر پرور ایتالیا می‌توان یافت که دست اندرکاران برجسته؛ فرهنگ و تمدن گذشته غنی خویش را با دقت لازم به تصویر کشانده‌اند.

در قرن بیستم، هنر هفتم یعنی سینما و هنرهای وابسته به آن در تاریخ هنر، بخش مهمی را به خود اختصاص داده است که همواره شاهد تحولات و روند تکاملی آن هستیم و جایگاهی خاص در هنر مدرن برای خود باز کرده است.

